

مقدمه ۲: عنوان نزاع

مرحوم نائینی درباره عنوان نزاع می نویسد که اینکه امر و نهی با هم قابل جمع نیستند، امری مسلم است و محل بحث نیست بلکه بحث در این است که اگر متعلق امر (که باید آن را ایجاد کرد) در موردی همان متعلق نهی (که باید از وجود آن ممانعت کرد) شد، آیا در این صورت لازم می آید که امر و نهی به یک چیز تعلق گرفته باشد (و لذا محال باشد) و یا لازم نمی آید که امر و نه به یک چیز تعلق گرفته باشد (و لذا محال لازم نمی آید).

«و القوم و ان عنونوا النزاع علی هذا الوجه، إلی أنّه لیس ظاهر العنوان مراداً قطعاً، فانّ ظاهر العنوان يعطى ان يكون النزاع فی تضاد الأمر و النهی و عدمه، مع انّ تضاد الأحكام بأسرها امر مفروغ عنه غیر قابل للنزاع فيه. بل المبحوث عنه فی المقام، هو أصل لزوم الاجتماع و عدمه، لا جوازه و عدمه. فالأولی تبدیل العنوان بان یقال: إذا اجتمع متعلق الأمر و النهی من حیث الإيجاد و الوجود، فهل یلزم من الاجتماع كذلك ان یتعلّق کلّ من الأمر و النهی بعین ما تعلّق به الآخر؟ كما هو مقالة القائل بالامتناع، أو لا یلزم ذلك؟ كما هو مقالة القائل بالجواز»<sup>۱</sup>

ما می گوئیم:

همین مطلب را با تفاوت خاصی، مرحوم خوبی به طور مفصل تری توضیح داده اند:

«ان عنوان النزاع فی هذه المسألة علی ما حرره الأصحاب قديماً و حديثاً یوهم كون النزاع فيها كبرویا بمعنى ان موضوع المسألة اجتماع الأمر و النهی فی شیء واحد و محمولها الجواز أو الامتناع، بمعنى ان القائلین بجواز الاجتماع يدعون انه لا مانع من اجتماع الأمر و النهی فی شیء واحد بدعوى انه لا مضادة بينهما، و معه لا مانع من اجتماعهما فيه، و القائلین بالامتناع يدعون استحالة اجتماعهما فيه، بدعوى وجود المضادة بينهما. و علیه فمرد النزاع فی المسألة إلی دعوى المضادة بین الأحكام الشرعية بعضها مع بعض، و عدم المضادة. فعلى الأول لا مناص من القول بالامتناع. و علی الثانی لا بد من القول بالجواز.

و التحقيق ان النزاع فی هذه المسألة لا یعقل ان يكون كبرویا، بداهة استحالة اجتماع الأمر و النهی فی شیء واحد مطلقاً حتی عند من يجوز التكليف بالمحال كالأشعری و ذلك لأن

<sup>۱</sup> . فوائد الاصول، ج ۲، ص ۳۹۶



اجتماعهما في نفسه محال، لا انه من التكليف بالمحال ضرورة استحالة كون شيء واحد محبوبا و مبعوضا للمولى معاً على جميع المذاهب و الآراء فما ظنك بغيره»<sup>۱</sup>  
ایشان سپس می نویسد که بحث در آن است که آیا متعلق امر و متعلق نهی (در فرض اینکه یک خبر باشند) ترکیب اتحادی دارند یا انضمامی؟

«فالتیجّة هی ان مرکز النزاع فی هذه المسألة و نقطة الخلاف فیها بین الاعلام و المحققین انما هی فی ان المجمع لمتعلقی الأمر و النهی، كالصلاة فی الأرض المغصوبة - مثلا - فی مورد التصادق و الاجتماع، هل هو موجود واحد حقيقة و بالذات و ان التركيب بینهما اتحادی، أو هو متعدد كذلك و ان التركيب بینهما انضمامی، فمرد القول بالامتناع فی المسألة إلى القول باتحاد المجمع لهما فی مورد التصادق و الاجتماع، إذ علی هذا لا محالة یسری النهی من متعلقه إلى ما ینطبق علیه الأمور به فی الخارج، فاذن یلزم انطباق الأمور به علی المنهی عنه فعلا، و هذا محال. و مرد القول بالجواز فیها إلى القول بعدم اتحاد المجمع»<sup>۲</sup>

ما می گوئیم:

۱. هم فرمایش مرحوم نائینی قابل مناقشه است یعنی ممکن است بتوان قائل به اجتماع امر و نهی شد و لذا بحث را نزاع کبروی دانست و هم فرمایش مرحوم خویی قابل مناقشه است، چرا که قول به امتناع و اجتماع الزاماً ناشی از ترکیب انضمامی یا اتحادی نیست. (بلکه قول به ترکیب انضمامی سخن قابل پذیرش نیست - چنانکه خواهیم گفت - و لذا اصلاً کسی که قائل به اجتماع است، علیرغم اینکه به ترکیب انضمامی قائل نیست، به این قائل است)

۱. محاضرات فی الاصول، ج ۴، ص ۱۶۴

۲. همان، ص ۱۶۵

